

ادامه از صفحه اول

بودجه دولت و نفت: ترک فعل و عبور از کهنه‌ها

در این برهه در زمان برنامه سوم بعد انقلاب «تشکیل حساب ذخیره ارزی» در دستور کار قرار گرفت. حساب ذخیره ارزی در سال ۱۳۷۹ برای حفظ و نگهداری درآمدهای ارزی مزاد به وجود آمد؛ اما در عمل توجهی به این موضوع نشد و وابستگی بودجه دولت به نفت به حدود ۷۰٫۲ درصد در سال ۱۳۸۵ رسید. حساب ذخیره ارزی اهدافی مانند ایجاد ثبات در میزان درآمدهای حاصل از فروش نفت خام، تبدیل دارایی‌های حاصل از فروش نفت خام به دیگر انواع ذخایر و کاهش تلاطم‌های ارزی داشت. براساس قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه، دولت در صورتی مجاز به برداشت از این حساب بود که درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام نسبت به ارقام پیش‌بینی‌شده کاهش پیدا کند. همچنین برداشت از حساب ذخیره ارزی برای تأمین کسری ناشی از عواید غیرنفتی بودجه عمومی ممنوع بود. فلسفه شکل‌گیری این حساب در ایران بیشتر در راستای تعدیل فشارهای ناشی از نوسان قیمت نفت بر اقتصاد ملی بوده تا ایجاد حساب پس‌انداز برای نسل‌های آینده کشور و حاکمیت این نگرش بر دیدگاه دولتمردان و برنامه‌ریزان کشور، نحوه عملکرد این حساب را به‌صورت مستقیم تحت تأثیر قرار داده است. میل دولت به برداشت گسترده از این حساب در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ و استفاده در امور جاری باعث شد چند هفته پس از روی‌کارآمدن دولت یازدهم از طرف نمایندگان مجلس اعلام شد که از ۱۷۶ میلیارد دلار حساب ذخیره ارزی، ۱۶۱ میلیارد دلار را دولت استفاده کرده است و عملکرد این حساب در اقتصاد نیز مانند حساب ذخیره مللکتی دهه ۳۰ شمسی با اهداف متفاوت ناموفق بود. «صندوق توسعه ملی» پس از تجربه ناموفق «حساب ذخیره ارزی»، براساس ماده ۸۴ قانون برنامه پنجم توسعه با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فراورده‌های نفتی به تئزت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فراورده‌های نفتی تأسیس شد. در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ به‌طور متوسط حدود ۳۴ درصد منابع تحققیافته در قوانین بودجه از محل درآمدهای نفتی بوده و شاخص‌های کلان اقتصادی تغییر معنادار مثبتی را در رفتار دولت، وضعیت بودجه و میزان وابستگی به درآمدهای نفتی نشان نمی‌دهند. براساس آمار اعلام‌شده از سوی صندوق توسعه ملی، از ابتدای تأسیس تا پایان سال ۱۳۹۷، بالغ بر ۴۱ درصد از تسهیلات ارزی مسدود شده، ۹۳ درصد از سپرده‌گذاری‌های ارزی مسدود شده و ۴۵ درصد از تسهیلات و سپرده‌گذاری‌های ریالی مسدودشده صندوق توسعه ملی در راستای برنامه‌هایی خارج از روال اساسنامه صندوق توسعه ملی هزینه شده که بیاگر نقض قواعد مالی حاکم بر مدیریت درآمدهای نفتی است. همچنین مجوز برداشت ریالی از منابع صندوق که در قوانین بودجه سنواتی داده می‌شود، مسبب اصلی کاهش منابع صندوق بدون دستیابی به بازده مناسب است. به‌طورکلی عملکرد نزدیک به یک قرن اخیر ایران در ارتباط با بودجه و نفت نشان می‌دهد که دستیابی به هدف کاهش وابستگی بودجه دولت به نفت در ارائه طرح‌های بی‌رون‌زا و خارج از بودجه دولت چندان ثمربخش نبوده و در شرایط خاص این طرح‌ها و حساب‌های به‌نهایی به محاق رفته یا کارایی لازم را نداشتند؛ بنابراین باید در کنار این طرح‌های بی‌رون‌زا به شکل درون‌زا نیز این موضوع در داخل بودجه دولت حل شود. از ۱۱ برنامه اچراشده کشور (عمرانی و توسعه‌ای) صرفا دو برنامه توانستند در رشد اقتصادی شتاب ایجاد کنند؛ مطالعات نشان می‌دهد از علل موفقیت نسبی این دو برنامه، اصلاح ساختار با تصویب هم‌زمان قوانین و مقررات بوده و نفتی‌بودن بودجه و اقتصاد نوسان در اقتصاد را زیاد کرده است. سازمان برنامه و بودجه و مجلس شورای اسلامی، دو عامل مهم تخصیص منابع اقتصاد کشور هستند. عمده درآمد دولت در ایران نفت و مالیات است. در شرایط حاضر معیار موفقیت یک مدیر دستگاه درحال‌حاضر، دریافت بودجه بیشتر از سازمان برنامه و بودجه و مجلس است. مدیر هر دستگاه در صورت دریافت‌نکردن بودجه از سازمان برنامه یا دولت، در گام بعدی با چانه‌زنی از مجلس آن را مطالبه می‌کند؛ بنابراین باید بودجه‌ریزی دولت از محل درآمدهای نفتی و غیرنفتی (مالیات) در لایحه و قانون بودجه به تفکیک فصل، ردیف، امور و دستگاه با سازگاری لازم متمایز شوند؛ به‌عبارتی باید با عنایت به شرایط فعلی یعنی کاهش قیمت نفت، تحریم آمریکا در قالب یک برنامه چهارساله بودجه‌ای استرات ترک فعل بودجه‌ریزی کنونی، فرایند بودجه‌ریزی کشور دچار تحول اساسی درونی شود. با توجه به پیشرفت فناوری دیجیتال و امکان پردازش و برنامه‌ریزی با داده‌های بزرگ و همچنین با توجه به امکان تفکیک امور تصدی‌گری و حاکمیتی و توزیعی دولت در قالب دستگاه، ردیف، امور و فصل، بودجه‌ریزی و هزینه‌ها باید به شکل روشن و شفاف از محل درآمدهای نفتی و غیرنفتی مشخص شود؛ به این صورت که سهم هزینه هر دستگاه و هر ردیف باید از محل درآمدهای نفت مشخص شود و در یک فرایند چهارساله دستگاه‌های تصدی‌گری دولت، وابستگی به درآمدهای نفتی خود را به‌تدریج به صفر برسانند و امور حاکمیتی و توزیعی می‌توانند از مالیات و نفت هم‌زمان استفاده کنند. تحول درون‌زا در بودجه‌ریزی، و ارزیابی منفی مدیر برای استفاده از نفت باید یک فرهنگ شود تا وابستگی بودجه و اقتصاد ایران به نفت کاهش یابد.

«**استاد اقتصاد دانشگاه علامه**

اقتصاد

«**شرق**» با **مروری بر پرونده‌های فساد اقتصادی**، داستان دنباله‌دار خاوری‌ها را بررسی می‌کند

دانه‌درشت‌ها در لیست فرار



علی بنی‌علی‌محمدفرید

در برابر قانون و عدالت را هم به نفع خودشان و هم برای جامعه مفید دانست.اما در این سال‌ها چند نفر از متهمان به فساد اقتصادی، نرسیده به محاکمه از کشور فرار کردند؟زمانی که فرار خاوری خبرساز شد، بسیاری از کارشناسان و مسئولان از تکرار ماجرای خاوری ابراز نگرانی می‌کردند. محمودرضا خاوری، کسی که متهم به اختلاس سه هزار میلیارد تومان بود، کسی که رسانه‌ها درباره‌اش نوشتند «در کولاک حذف مدیران بانکی در دوره احمدی‌نژاد از معدود مدیرانی بود که به جای «حذف»، «ارتقا» یافت؛ از مدیرعاملی بانک سپه به مدیرعاملی بانک ملی ایران رفت و بر میز مدیریت تکیه زد» و قاضی پرونده اعلام کرده بود که یکی از معاونان وقت وزارت اطلاعات در دولت احمدی‌نژاد از خروج محمودرضا خاوری مطلع بوده است.

فرارپیش‌ازموعدمحاکمه

خاوری رفت؛ ولی داستان او ادامه‌دار شد. کمی بعد از محاکمه‌های فساد اقتصادی بررسیم جلودر بیاییم و به پرونده‌های فساد اقتصادی بررسیم که در دو، سه سال اخیر در جریان بررسی قرار گرفتند، برخی از آنها همچنان دستاورد همان دوره دولتی بودندکه پدیده خاوری اتفاق افتاد و برخی از آنها بعد از ماجرای جهش یکباره نرخ ارز و تخصیص ارز دولتی در سال ۹۶ سربرآوردند.کل نفتی را که کم شد، به یاد بیاییم یا ماجرای پتروشیمی‌گیت، رئیس سازمان بازرسی کل کشور در شهریور ۹۴ گفت دو دکل بزرگ و شناور نفتی ایران کم شده است. داستان دکل نفتی ادامه داشت و هر روز جزئیات جدیدی از یا فاش می‌شد. یکی از متهمان این پرونده که یک دلال نفتی بود، رضا مصطفوی طباطبایی بود؛ کسی که پیش از کشایش پرونده و محاکمه از ایران رفته بود و در اروپا و بعد دوبی به سر می‌برد. او ۱۷سالگی از ایران رفته بود و به ایران رفت‌وآمد داشت، سال ۸۹ با وجود ممنوع‌الخروجی از روابطی استفاده کرده و از

بررسی وضعیت اشتغال هم‌زمان در نظام بانکی

اعضای شورای پول و اعتبار بدون شغل موازی

می‌بخشد. وقتی کسی در آن واحد در چند جبهه تصمیم‌گیری می‌کند طبیعتاً قادر نیست به جزئیات مواردی که درباره آن تصمیم‌گیری می‌کند، اشراف داشته باشد. ممکن است گفته شود که چون تصمیمات در سطح کلان است، نیازی به دانستن جزئیات نیست اما این گفته در حوزه پولی و بانکی صدق نمی‌کند. در این حوزه افراد دائماً باید اطلاعاتشان را به روز کنند و گزارش‌های متعددی را درباره وضعیت اقتصادی مطالعه کنند تا بتوانند تصمیمات خوب اخذ کنند. اینکه هفته‌ای یک جلسه برگزار شود و افراد بایند مهم‌ترین تصمیمات را بگیرند و برون، قطعا خروجی باکیفیتی نخواهند داشت. ما الان دقیقاً با همین معضل مواجه هستیم. یکی از مشکلاتی که مشاغل هم‌زمان ایجاد می‌کند، بحث تعارض منافع است. تصمیمی که فرد می‌گیرد نباید منافع خودش در جایی دیگر را تحت‌تأثیر قرار دهد. متأسفانه قوانین کشور ما به مسئله تعارض منافع در تصمیم‌گیری‌ها نیز توجه و آزار چند جهت قوانینی بسیار ضعیف داریم. عملاً در بسیاری از مواقع تصمیماتی گرفته می‌شود که با تعارض منافع مواجه است. حتی جا دارد که تمامی قوانین کشور در حوزه اقتصاد بار دیگر بازنگری شود. در سایر کشورها افرادی که در بانک مرکزی فعال هستند حتی بعد از استعفا و بازنشستگی هم مدت‌ها حق دادن مشاوره به مؤسسه‌ای که قبلاً تحت نظارتشان بودند، را ندارند چه رسد به زمانی که مشغول به کار هستند چون با توجه به اطلاعاتی که دارند، قادرند جهت قوانینی مشاوره‌هایی را به مؤسسات بدهند که در راستای منافع این بخش‌هاست. اما متأسفانه ما قوانین خوبی در این مسائل نداریم. طرح اصلاح قانون پولی و بانکی که در مجلس است یک مزیت نسبت به قانون موجود دارد و آن در نظرگرفتن همین موارد است. یکی از مصادیق تعارض منافع حضور افراد دارای شغل همسان در شوراها و مدیری‌های مختلفی است که باید در جهت منافع عمومی تصمیم‌گیری کنند؛ درحالی‌که این افراد بیشتر نگران منافع و شغل خودشان هستند تا منافع عمومی جامعه.

رانت اطلاعاتی خطرساز است

احمد مجتهد، رئیس اسبق پژوهشکده پولی و بانکی، درباره مشاغل هم‌زمان در نظام بانکی عنوان می‌کند: مشکل برای ما بیشتر از طریق بازنشستگان است تا مشاغل هم‌زمان. زمانی که بانک‌های خصوصی ایجاد شدند، تعداد زیادی از کارکنان بانک‌های دولتی و بانک مرکزی آن را مدیریت کردند و این مورد خلاف قانون هم نبود اما بسیار خطرناک بود. بحث مشاغل هم‌زمان عمدتاً در بانک‌های دولتی مطرح است نه خصوصی. بانک‌های دولتی گاهی از افرادی که در سایر بخش‌های دولتی و حتی وزارتخانه‌ها فعالیت دارند استفاده می‌کنند. حالا یا به شکل مشاور یا به هر شکل موقت و غیررسمی دیگری. در بانک‌های خصوصی این وضع وجود ندارد؛ چون شکل کارشان متفاوت است. البته بحث استفاده از مشاوره در همه جای دنیا مطرح است. از نظر قانونی افرادی که شغل دولتی دارند، حق اشتغال در بخش دیگری را ندارند؛ چه بانک چه جای دیگری، همچنین ممکن است فردی که سهامدار بانکی است عضو هیئت‌مدیره شرکت زیرمجموعه‌ای هم باشد و در تصمیم‌گیری‌ها دچار تعارض منافع شود، اخیراً بانک مرکزی این موارد را بسیار با محدودیت مواجه کرده است. بانک مرکزی مرتب گزارش‌های مختلفی از بانک‌ها درباره سهامداران و وام‌گیرندگان عمده، تسهیلات اعضای هیئت‌مدیره و بستگان و… می‌گیرد. بازرسان بانک مرکزی هم نظارت می‌کنند. بانک مرکزی وظیفه‌اش را انجام می‌دهد. بازرسی کل کشور، وزارت اطلاعات، دیوان محاسبات و سایر نهادها هم نظارت می‌کنند.

فرزند و برادرزاده او و نصرالله دارایی از دیگر متهمان این پرونده قبل از اینکه به محاکمه برسند و حکم آنها صادر شود، از کشور فرار کردند؛ اما در ادامه همین احکام اعدام و صدور حکم باق‌ری‌درمنی، ابریده‌کار بانکی بود که مسئولان قضائی خبر از گریختن پنج متهم دیگر این پرونده دادند.

از ابریده‌کار بانکی تا مسئول بانکی

برای این سیاهه باز هم البته نام‌های دیگری هست. سالار آقاخان، کسی که در جریان اخلال در بازار ارز و فساد ارزی بود. جوانی متولد ۱۳۷۰ که در اواخر اسفند ۹۷ برای همین پرونده بازداشت می‌شود؛ اما بعد به قید وثیقه آزاد و از کشور می‌گریزد. جالب است که محمدرضا مظلومین پسر وحید مظلومین در این پرونده هم متهم بوده و البته یک متهم فراری. کمی جلوتر بیاییم و برسیم به دادگاه علی دیواندری، مدیرعامل پیشین بانک ملت و متهم ردیف اول پرونده ۱۶۵میلیون دلاری. قاضی این پرونده در همان جلسات اولیه برگزاری دادگاه رسیدگی به این پرونده اعلام کرد: سه نفر از متهمان پرونده رحمت‌الله باختری، سمانه حضرتی‌آشتیانی و مجید سعادتی همچنان متواری هستند و در جلسه حضور ندارند و حسب اطلاع به خارج از کشور فرار کرده‌اند.تعداد متهمان فساد اقتصادی که از محاکمه و اجرای حکم فرار کرده‌اند، کم نیست و ما فقط تنها به نمونه‌هایی از آن اشاره کردیم؛ اما تنوع نوع فرار را در افرادی که نام بردیم، می‌توان دید. افرادی که پیش‌دستی کرده و قبل از کشایش پرونده قضائی از کشور رفته‌اند و غالباً دوبتایعنی هستند. کسانی که باید ممنوع‌الخروج بوده؛ اما نبودند و از کشور رفته‌اند. البته دراین‌بین نمونه‌هایی هم هستند که با وجود ممنوع‌الخروجی روابطی داشتند که بتوانند از کشور خارج شوند. دسته بعدی هم کسانی هستند که به قید وثیقه آزاد می‌شوند و بعد از آن می‌گریزند.آخرین نمونه از این فرارها هم که همین هفته خبرساز شد، فرار متهم پرونده طبری، قاضی منصوری بود که متهم به دریافت ۵۰۰ هزار یورو رشوه است.برای جلوگیری از این جریان تاکنون اقداماتی در طرح‌هایی پیشنهاد شده است. مثلاً نمایندگان مجلس پیشنهاد داده بودند درباره دوبتایعته‌ها به‌ویژه کسانی که مقام دولتی دارند، سختگیری بیشتری در رفت‌وآمدهای کسانی که در جریان یک پرونده است، انجام شود. آخرین برنامه عمل دراین‌باره جیدترین‌ر دستور رئیس قوه قضائیه است که به فراربان هشدار داده از چنگ عدالت نمی‌توانند فرار کنند و دستور بازگشت آنها را به نهادهای مربوطه صادر کرده است. حالا باید منتظر ماند و دید آیا موانع قانونی و پیگیری قضائی می‌تواند ایستگاهه آخری برای فرار متهمان به فساد اقتصادی باشد.

یادداشت

بازاندیشی در سرمایه و انتظارات



محمد‌هادی موقعی پژوهشگر اقتصادی

● بیش از ۵۰ سال است که بازار سرمایه در ایران با راه‌اندازی سازمان بورس و اوراق بهادار، نهاده‌ینه شده است. مدیریت اقتصادی و مالی بنگاه‌ها و مهارت‌های سرمایه‌گذاری اشخاص نقش توسعه و ترویج این بازار را عهده‌دار بوده‌اند. شاید در طول این سال‌ها اولین بار است که چنین پیششوازی از طرف مردم و جامعه نسبت به این بازار صورت گرفته است. استقبال عمومی از بازار و گرایش دولتمردان و سیاست‌گذاران به افزایش جذابیت‌های آن بهانه‌ای شد تا کمی در این باب سخن بگوییم؛ شاید برخی اذهان و دیدگاه‌های نادرست از اصلاح و بازسازی کند.بازار بورس محل نمایش و عرضه انواع سرمایه‌ها برای انواع خریداران و سرمایه‌گذاران است. کارگردانان و هدایت‌کران سرمایه‌ها، اعضای هیئت مدیره، مدیران و کارکنان شرکت‌هایی هستند که سهام آنها در بازار عرضه می‌شود. دارندگان سرمایه‌ها نیز کسانی هستند که دار و ندار و دارایی و مال و پول خود را در این بازار ریخته‌اند. اما بازار رازهایی دارد که هیچ یک از اینان – حتی در بازارهای جهانی – آن‌طور که شاید و باید نتوانسته‌اند رمز آنها را بکشایند. دو راز مهم در بازار پنهان مانده است: اولی سرمایه و دومی انتظارات.

واکاوی مفهوم سرمایه

سرمایه از دیدگاه حسابداران عبارت است از آورده صاحبان سهام و از دیدگاه اقتصاددانان عبارت است از مجموع منابع مالی و پولی به کار گرفته‌شده در چرخه اقتصادی و تجاری به صورت انواع دارایی‌ها و نهائیات از دیدگاه بازار عبارت است از ارزش روز همه منابع به کار گرفته‌شده به علاوه توانمندی هدایت و مدیریت سرمایه‌گذاری، سودآوری پایدار و توان پاسخ‌گویی به انتظارات. اگر دقت کنید تعریف بازار بسیار متفاوت است. در دنیای امروز نگاه سنتی به سرمایه همان نگاه حسابداران و اقتصاددانان است و نگاه روز جدید نگاه بازار است. نگاه مدیران، تلفیقی از نگاه حسابداران و اقتصاددانان است. پس دو نگرش نسبت به سرمایه وجود دارد: نگاه مدیران (برگرفته از مفاهیم حسابداری و اقتصادی) و نگاه بازار (برگرفته از ارزش روز دارایی‌ها، توان مدیریتی و انتظارات موجود).

نویسندگان و پژوهشگران حوزه سرمایه‌گذاری به نتایج جدیدی رسیده‌اند و آن کشف یک شکاف عمیق و وسیع میان این دو جبهه است؛ جبهه مدیران و جبهه بازار.اگر مدیران نتوانند با نگاه بازار به «سرمایه» بنگرند، چه عواقبی در انتظار خواهد بود؟ دستاورد این شکاف، شکل‌گیری تفاوت معنادار بین مفهوم «بازدهی» از دیدگاه طرفین است.یک شرکت خدمات گردشگری با انتشار عکس‌ها و مناظر دیدنی از یک منطقه زیبای کوهستانی از گردشگران دعوت می‌کند تا با خرید بلیت یک تور از خدمات این شرکت بهره‌مند شوند. گردشگران با دیدن این مناظر و توصیف شرکت از تور انتظاراتی را در خود ایجاد و برای تحقق آن بلیت را خریداری می‌کنند. یک اتوبوس مجهز با راننده ماهر گردشگران را سوار کرده و به کوهستان زیبا و دیدنی می‌برد. راننده بر اساس برنامه از قبل طراحی‌شده و متناسب با زمان و بودجه مالی تور، مسیر زیبا و پربهیخ‌وخم کوهستان را با مهارت طی کرده و این گردنه‌های سخت و لبه‌های پرگاه‌های عمیق کدر می‌کند و در نقاط تعیین‌شده نیز توقف می‌کند. گردشگران به دلیل عدم توفیق در دیدن و لذت‌بردن از بسیاری مناظر و نقاط دیدنی – که در ذهن خود ساخته بودند– کم‌کم ناراضی می‌شوند و نمی‌توانند تصور کنند که این همه زیبایی و جذابیت را فقط با توقف در دو یا سه نقطه معاوضه کنند. راننده آنقدر که توانسته گردشگران را با یک اتوبوس مجهز و با رعایت زمان‌بندی و ارائه خدمات تور به گردش برده و سالم بازگرداند خوشحال است. ولی گردشگران به دلیل عدم پاسخ‌گویی به انتظارات خود ناراضی‌اند. راننده مدعی یک پاداش علاوه بر حق‌الزوجه‌ای خود است و گردشگران حتی مدعی برک‌واری و جایگزینی با راننده‌ها دیگر هستند که بتواند آنها را به همه نقاطی که مورد نظرشان است، ببرد. در این مثال، راننده اتوبوس همان هیئت مدیره، مدیرعامل و کارکنان شرکت به حساب می‌آیند و اتوبوس نماینده تمامی تجهیزات، دارایی‌ها و خدماتی است که عرضه می‌شود و گردشگران همان سهام‌داران و سرمایه‌گذاران هستند.انتظارات همان جا شکل گرفت که مناظر و تصاویر و توانمندی‌های شرکت به گردشگران ارائه شد. وقتی که انتظارات ایجادشده پاسخ داده نمی‌شوند ارزش سهام سقوط می‌کند. مدیران بر اساس محاسبات مالی و اقتصادی سرمایه و منابع به کار گرفته‌شده مدعی سوددهی بوده و خود را شایسته پاداش می‌دانند. سهامداران به دلیل محاسبات مبتنی بر انتظارات جاری و ارزش روز منابع به کار گرفته‌شده، مدعی زیان‌دهی و حتی برکناری مدیران بوده و در مجمع عمومی به‌شدت اعتراض می‌کنند.

ادامه در صفحه۵